

نشریه علمی - پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۳۹۷

انتقام و انگیزه‌های آن در شاهنامه فردوسی و ایلیاد و اودیسه هومر

دکتر مریم محمدزاده*

چکیده

انتقام که امروزه نوعی ناهنجاری اخلاقی و عدالت بدوی به شمار می‌رود، از جمله پندارهای حاکم بر آثار حماسی است که در ایلیاد و اودیسه هومر، همانند حلقه‌های ارتباطی، حوادث را منطقی و پیوسته کرده و در هر سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی شاهنامه، امری بسیار مهم و واجد قداست تلقی شده است. با توجه به اینکه یکی از بهترین روش‌های تبیین هر مسئله‌ای، مقایسه آن با نمونه‌ای هم‌شأن و هم‌جنس است، نوشتار حاضر با هدف بررسی رویکرد اقلیم‌های حماسه‌ساز ایران و یونان در خصوص انتقام، اقسام انتقام و انگیزه‌های شکل‌گیری آن را در حماسه‌های مذکور بررسی کرده تا به این پرسش پاسخ دهد که چرا انتقام از بن‌مایه‌های شاخص آثار حماسی و اصل‌اساسی و قابل احترام بوده است؟ یافته‌های تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، نشان می‌دهد که انتقام‌های مقدس در این آثار، انتقام‌هایی اجتماعی هستند که در غیاب

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران
m-mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir

هنجارهای قانون رسمی کشور، در قالب قصاص و مجازات خطاکاران به وقوع پیوسته است. این انتقام‌ها که صورت ابتدایی کیفر و مجازات عمومی به شمار می‌روند، در شاهنامه، بیشترین و در اودیسسه، کمترین فراوانی را دارند و به دلیل برخورداری از جنبه تأدیبی و تأمینی، ضمن جلوگیری از گسترش فساد و ناامنی در جامعه، ضامن اجرای عدالت و حیات افراد بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی

انتقام، اودیسسه، ایلیاد، شاهنامه، فردوسی، هومر.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

انتقام که یک واکنش آنی در رفتار انسانی شمرده می‌شود، نزد ایرانیان باستان و در دین زرتشت، امری دینی و الهی محسوب می‌شود. «اوستا صلح و سازش را شریک منش پاک می‌داند و به‌خصوص فرمان می‌دهد که باید از صلح و سلامتی برخوردار بود و گرد کینه‌جویی و ستیزه‌نگشت» (ایرانی، ۱۳۴۳: ۳۳). علاوه بر این، راستی و وفاداری به عهد و پیمان، از تعلیمات اساسی زرتشت و جزء اخلاق و رفتار مردم ایران باستان بوده است؛ چنان‌که زرتشت در گات‌ها، مذهب خود را آیین راستی می‌خواند و می‌فرماید: «ای مزدا، پایه آیین ما به روی راستی نهاده شده، از این جهت سودبخش است. پای مذهب غلط، بر روی دروغ قرار گرفته، از این سبب زیان‌آور است. برای این است که می‌خواهم مردم به منش پاک ملحق شوند و همه ارتباط خود را با دروغ‌پرستان قطع کنند» (گات‌ها، ۱۳۷۷: ۱۱۱). بنابراین باید گفت بر اساس تعلیماتی که در کتاب دینی ایرانیان باستان آمده و منشأ اخلاق و رفتار آن‌ها قرار گرفته است، مردمان ایران باستان انسان‌هایی صلح‌طلب، بی‌آزار

و به دور از صفاتی چون حسد و پیمان‌شکنی بوده‌اند. با این حال، انتقام برای آنان، بسیار مهم و واجد قداست (نک: مزدپور، ۱۳۸۷: ۵۳) و اصل اساسی و قابل احترام بوده است. بر اساس این اصل، دروغگویان، پیمان‌شکنان و بیدادگران باید انتقام پس بدهند؛ از این رو، فرشته فروغ و روشنایی - مهر - از جانب اهورامزدا برای محافظت عهد و میثاق مردم گماشته شده است (یشت‌ها، ۱۳۵۶، ج ۱: ۴۰۳) و به پیمان‌شکنان سزا می‌دهد و از آنان انتقام می‌گیرد (همان، ج ۱: ۴۳۹). شاهنامه که بی‌هیچ گزافه و گمانی، آن را «شیرازه و شالوده تاریخ و فرهنگ ایران می‌توانیم دانست» (کزازی، ۱۳۸۶: ۴) به منزله آینه‌ای است که انعکاس این سنت را در آن می‌توان مشاهده کرد. به عبارتی «جدال بین دو نیروی متخاصم و مخالف و جبهه‌گرفتن آن دو در برابر یکدیگر که اغلب با انگیزه کین‌خواهی همراه است، در حقیقت، اساس کار در شاهنامه است» (عبادیان، ۱۳۶۹: ۱۴). در حماسه‌های ایللیاد و اودیسه در یونان نیز، انتقام‌ها و کین‌توزی‌ها، چون حلقه ارتباطی، حوادث را به هم پیوند داده و در جهت برقراری صلح و آرامش و مبارزه با ظلم و بیدادگری، کین‌توزی‌هایی رخ می‌دهد.

با توجه به اینکه ایران و یونان به‌عنوان دو تمدن کهن همواره در طی سده‌ها، با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند و «به‌رغم برخوردهای نظامی که گاه میان آن‌ها درمی‌گرفته، تاریخ‌گویای دادوستدهای فرهنگی آن‌ها نیز بوده است؛ چنان‌که در دوره‌ای، ایرانیان از اندیشه فلاسفه یونان بهره‌ها برده‌اند و در زمانی دیگر یونانیان از فرهنگ ایرانیان تأثیر گرفته‌اند» (امن‌خانی و نظام‌اسلامی، ۱۳۹۲: ۲۳). پژوهش حاضر با هدف بررسی رویکرد اقلیم‌های حماسه‌ساز ایران و یونان در خصوص انتقام، اقسام و انگیزه‌های شکل‌گیری آن را در حماسه‌های مذکور بررسی کرده تا به این پرسش پاسخ دهد که انتقام‌جویی که به‌عنوان نوعی ناهنجاری اخلاقی از آن یاد می‌شود، چرا از بن‌مایه‌های شاخص آثار حماسی و اصل اساسی و قابل احترام در میان ملل ایران و یونان بوده و چرا فردوسی که

در جای جای شاهنامه، به گذشت و اغماض تشویق می‌کند و به بهانه‌های مختلف، کین‌گشی را می‌ستاید و بدان سفارش می‌کند؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی و مقایسه انتقام در شاهنامه فردوسی و حماسه‌های هومر، راهی است که می‌تواند گوشه‌ای از زوایای ناپیدا و کمتر شناخته‌شده شاهنامه، ایللیاد و اودیسه و چگونگی رویکرد آن‌ها به این مقوله را مورد کاوش قرار دهد و انگیزه و چرایی روی آوردن به انتقام‌جویی را در این آثار تحلیل کند.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در باب مقایسه حماسه‌های ایران و یونان با هم، نزدیک‌ترین عنوان به موضوع بحث، فردوسی و هومر اثر جمالی (۱۳۶۸) است که به شیوه‌های شخصیت‌پردازی و کنش متقابل آن‌ها پرداخته است. نامورنامه از زرین کوب (۱۳۸۹)، ایران و یونان در بستر باستان (۱۳۷۸) و جام جهان‌بین از اسلامی ندوشن (۱۳۹۵) و مقدمه ترجمه ایللیاد از سعید نفیسی نیز حاوی اشاراتی به مقایسه حماسه‌سرایی هومر در یونان با فردوسی در ایران است. غلامپوردهکی و پشت‌دار (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی کارکردهای پیشگویی در شاهنامه، ایللیاد و اودیسه پرداخته‌اند. عباسی و قبادی (۱۳۸۹) جایگاه زن را در شاهنامه فردوسی با ایللیاد و اودیسه هومر مطابقت داده و قبادی، بیگدلی و عباسی (۱۳۸۹) سبک حماسه‌سرایی ایللیاد و شاهنامه را از منظر تعهد ادبی بررسی کرده‌اند. ذبیح‌الله صفا کین‌خواهی را اساسی‌ترین رخداد در بروز جنگ‌های طولانی میان ایرانیان و تورانیان عنوان می‌کند (۱۳۶۳: ۲۱۱). مسکوب نیز جستن کین سیاوش را انگیزه ناگزیر جنگ و جنگ‌آوری می‌داند (۱۳۵۰: ۲۹۶). ریاحی تأکید می‌کند که «مهیبت‌ترین نمود اهریمنی انیران به سرزمین ایران و والاترین و مقدس‌ترین خصیصه اهورایی، پایداری ایرانیان در برابر هجوم بیگانگان و خواستن کین مظلومان از ظالمان است» (۱۳۷۵: ۸۷). جعفری

قریه، فرهمند و روستا (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه مهر و کین در شاهنامه و ایلید»، عشق را در محورهایی مانند عشق‌ورزی خدایان، محبت انسان به خدایان، عشق شاهان، عشق پهلوانان، محبت‌ورزی انسان‌ها و مهرورزی به وطن و عقیده بررسی کرده‌اند و در مقوله کین‌خواهی، ردپای انتقام در شاهنامه را به‌طور گذرا در محورهای کین‌توزی شاهان (هوشنگ و تهمورث)، کین‌توزی پهلوانان (رستم، گیو، فرامرز)، کین‌توزی شخصی (رستم) و کین‌خواهی پهلوانی‌پادشاهی بررسی کرده‌اند. کین‌خواهی در ایلید نیز در محورهایی مانند کین‌جویی انسان‌ها و کین‌خواهی خدایان بررسی شده، اما علل و انگیزه‌های روی آوردن به انتقام در شاهنامه و ایلید و چرایی تقدس آن، مورد غفلت قرار گرفته است. علاوه بر این، بدون توجه به فراوانی و شدت کین‌خواهی‌ها در شاهنامه، نتیجه گرفته شده است که با استناد به توصیف صحنه‌های خشونت‌بار در بخش‌های مختلف ایلید می‌توان دریافت که کین‌خواهی در ایلید در مقایسه با شاهنامه، پررنگ‌تر است. سرآمی (۱۳۷۸) نیز اشاره مختصری به موضوع کین‌خواهی در شاهنامه دارد؛ اما جست‌وجو در منابع حاکی از آن است که بحث به‌صورت مفصل در این زمینه و بیان انگیزه‌های انتقام در شاهنامه و بررسی تطبیقی آن با ایلید و اودیسه پیشینه‌دار نیست.

۱-۴. روش پژوهش و چهارچوب نظری

تحقیق حاضر مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی است. گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و دستیابی به یافته‌ها و استنتاج کلی، ساختارهای اساسی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. ابتدا نگاهی اجمالی به انتقام در لغت و اصطلاح شده، سپس اقسام و انگیزه‌های آن، به یاری شواهدی از متن در شاهنامه، ایلید و اودیسه مورد مقایسه قرار گرفته است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

واژه انتقام که از ریشه ن ق م گرفته شده، در معانی مختلفی از جمله انکارکردن (راغب اصفهانی، ۱۳۴۷: ۸۲۲) کینه کشیدن (دهخدا، ۱۳۳۹) و کیفر دادن (طریحی، ۱۳۸۷: ۳۶۶) به کار رفته است. در عرف، به معنای تلافی برای تشفی خاطر است و از لحاظ اصطلاحی به «رفتار متقابل عمدی و تلافی جویانه‌ای که در پاسخ به عمل نامطلوب شخص دیگری انجام شود» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۹۳) اطلاق می‌گردد. انتقام در دو دسته الهی و بشری قابل بررسی است؛ چنان‌که هرگاه بشر کیفردهنده باشد، همراه با تلافی خواهد بود؛ ولی اگر خداوند کیفردهنده باشد، فقط به معنای کیفر بخشیدن است (سبحانی، بی تا، ج ۲: ۲۳۷). انتقام بشری نیز به دو صورت فردی و اجتماعی جلوه‌گر می‌شود: انتقام فردی، بیشتر برخاسته از احساس و غایت آن تشفی خاطر است، اما انتقام اجتماعی غالباً مبتنی بر عقل و غایت آن حفظ نظم، اصلاح و تربیت افراد جامعه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۸۶).

۲-۱. اقسام انتقام‌گیری در شاهنامه، ایلید و اودیسه

۲-۱-۱. انتقام‌گیری در شاهنامه

تأملی در شاهنامه نشان می‌دهد که ۷۳ مورد انتقام‌جویی در این اثر حماسی وجود دارد که از این میان، در ۴۳ مورد، کین‌خواهی به انجام می‌رسد و کین‌توز موفق می‌شود انتقام خود را از هم‌اورد بازستاند. در ۳۰ مورد، با اینکه قصد انتقام‌گیری وجود دارد، عملی نمی‌شود. انتقام رستم از خودش و کین‌خواهی گشتاسپ از ارجاسب به واسطه ممانعت بزرگان ناکام می‌ماند؛ سهراب فرصتی برای کین‌خواهی از ایرانیان نمی‌یابد و در ۲۸ مورد دیگر، اگرچه قصد انتقام‌گیری وجود دارد، کین‌توز موفق نیست. بیشتر کین‌خواهی‌ها به صورت تن‌به‌تن بوده که دور از صحنه‌های اصلی پیکار و نبرد انجام می‌گرفت و هم‌اوردان در جنگ‌هایی همچون نبرد بیژن و هومان و نبرد رستم و فولاد، در ردّ هرگونه یاری و حمایت از سوی دیگران، پیمان می‌بستند.

این کین‌خواهی‌ها گاهی درون‌مرزی و مربوط به کین‌خواهی ایرانیان از یکدیگر است؛ همانند انتقام‌های کیکاووس از رستم، سیاوش از سودابه، رستم از شغاد، رستم و زواره از شاه کابل و انتقام از فرود؛ گاهی نیز انتقام‌جویی‌ها برون‌مرزی و مربوط به انتقام‌گیری ایرانیان و تورانیان از یکدیگر و انتقام‌گیری از رومیان است. انتقام رومیان از ایرانیان موفق نبوده است. کین‌خواهی تورانیان از ایرانیان، فقط در زمینه‌های کین‌خواهی تور از نوذر، گرفتن انتقام از لهراسب در زمان ارجاسب و انتقام گرسیوز از سیاوش موفق بوده است؛ لیکن کین‌خواهی ایرانیان از تورانیان در اغلب موارد از قبیل انتقام‌های قباد از بارمان، بهرام از تژاو، سیاوش از گروی‌زهر، روزبانان از هومان و... موفق بوده است. این کین‌خواهی‌ها اغلب در دوره پهلوانی شاهنامه رخ داده است. در دوره اساطیری، کین‌خواهی‌های هوشنگ از اهریمن و تهمورث از اهریمن، و در دوره تاریخی کین‌خواهی‌های بهمن از خاندان رستم، اسکندر از وزیران دارا، شاپور از قیصر روم، یانس از ایرانیان، گسته‌م و بندوی از هرمز، پرموده از بهرام چوبینه، بیژن از ماهوی، بهرام از همشهری آیین‌گشسپ و پوران‌دخت از خسرو دیده می‌شود.

۲-۱-۲. انتقام‌گیری در ایلید

ایلید که در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد نوشته شده، مربوط به ربودن هلن، زن زیباروی منلاس یکی از چند فرمانروای یونان، توسط پاریس است. پهلوانان با هم پیمان بسته‌اند که شوهر هلن را در انتقام‌گیری از مجرم یاری دهند؛ از این رو سپاهیان به فرماندهی آگاممنون به سوی شهر تروا لشکرکشی می‌کنند تا هلن را باز پس گیرند. سپاهیان یونان مدت‌های مدیدی تروا را محاصره می‌کنند، اما با رشادت‌های نگهبانان تروا و پشتیبانی خدایانی چون زئوس، آفرودیت و آپولون پیروز نمی‌شوند. آخیلوس به انتقام کشته‌شدن پاتروکل، به نبرد با هکتور می‌پردازد و پس از شکست دادن او، به جنازه‌اش بی‌احترامی می‌کند. یونانیان نیز برای گرفتن انتقام هکتور، اسبی می‌سازند و به‌نشانه صلح،

آن را به اهالی تروا هدیه می‌دهند؛ درحالی‌که خودشان نیز مخفیانه در شکم اسب چوبین وارد تروا می‌شوند و در نیمه‌های شب با شیبخون‌زدن بر اهالی شهر، همه را از دم تیغ می‌گذرانند و تروا را به آتش می‌کشند.

در این اثر حماسی، ۲۰ کین‌خواهی به وقوع پیوسته است که از این میان، سرانجام قصد کین‌خواهی از زنان شهر پریام که به انتقام ربوده‌شدن هلن انجام شده، معلوم نشده است. انتقام آرس از لشکریان آخائی به علت انصراف از کین‌خواهی، نافرجام مانده و جز انتقام‌خواهی‌های منلاس از پاریس، اورسیلوک و کرتون از اهالی تروا، آزیوس از ایدومنه و دئیفوب از ایدومنه، بقیه کین‌خواهی‌ها موفق بوده است. کین‌خواهی‌ها در برخی موارد، متافیزیکی هستند؛ چنان‌که گاهی شاهد کین‌خواهی خدایان از انسان‌ها هستیم مانند کین‌خواهی‌های زئوس از مردم آخائی، هرا از مردم تروا، فوبوس و پوزئیدون از مردم آخائی و... گاهی نیز هریک از خدایان با یکدیگر نبرد می‌کنند و برای گرفتن انتقام خود از دشمن، خدای دیگر را برای کارزار با مردم تروا یا آخائی تحریک می‌کنند. کین‌خواهی انسان‌ها از یکدیگر نیز در مواردی همچون کین‌خواهی‌های آخیلوس از هکتور و منلاس از پاریس نمود می‌یابد و در جنگ‌های بین مردم تروا و آخائی، در پی کشته‌شدن هریک از جنگجویان، مبارز دیگر، انتقام او را می‌گیرد و کین‌خواهی‌های انسان‌ها از یکدیگر ادامه می‌یابد.

۲-۱-۳. انتقام‌گیری در اودیسه

اودیسه نیز همانند همتای خود ایلیاد، در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد تألیف شده است و ماجراهای اولیسو همراهان او، پس از جنگ تروا را بازگو می‌کند. اولیس که پیروز شده، فکر می‌کند که به‌تنهایی تروا را تصرف کرده است؛ از این‌رو، پوزئیدون، خدای دریاها، عصبانی شده و او را محکوم می‌کند که تا ابد در دریا سرگردان باشد. دیری نمی‌گذرد که اولیس به غاری راه می‌یابد و به‌همراه یاران خود در آنجا به عیش مشغول می‌شود؛ غافل از آنکه صاحب غار، غولی یک چشم به نام پولیفم فرزند پوزئیدون است.

پولیفم دو تن از یاران اولیس را می‌خورد و اولیس با خوراندن باده‌ای او را مست و سپس کور می‌کند و آتش انتقام را در دل پوزئیدون شعله‌ورتر می‌کند. اولیس دوباره راهی دریا می‌شود و با فرمانروای باد و طوفان که ائول نام داشت، برخورد می‌کند. ائول مشک بادی به اولیس می‌دهد تا به یاری آن به زادگاهش برگردد. یاران اولیس که گمان می‌کنند در آن مشک، گنجی پنهان است سر آن را باز می‌کنند و طوفان حاصل از آن، کشتی‌ها را به جزیره لستریگونها می‌برد و غولانی مردم‌خوار با سنگ همه آن‌ها را به جز کشتی اولیس می‌شکنند. اولیس پس از جان به در بردن از آنجا به جزیره‌ای که از آن الهه کالیپسو بود می‌رسد و پس از هفت سال زندانی شدن در آنجا، سرانجام به فرمان زئوس رها می‌شود و در وطن خود ایتاک به یاری پسرش تلماک، از خواستگاران سمج همسرش انتقام می‌گیرد. در این میان، مردم از کشتار خواستگاران توسط اولیس باخبر می‌شوند و برای انتقام به جنگ با او می‌پردازند؛ اما آتنا و زئوس، صلح را بین اولیس و اقوام خواستگاران کشته‌شده برقرار می‌کنند.

در این اثر جاودانه، ۱۰ کین‌خواهی دیده می‌شود که از آن میان، انتقام آژاکس از اولیس نافرجام می‌ماند و قصد کین‌خواهی مردم ایتاک از اولیس به علت مداخله خدایان، به انصراف می‌انجامد؛ ولی ۸ منتقم بعدی در به انجام رساندن کین‌جویی خود موفق هستند. برخی از این کین‌جویی‌ها، متافیزیکی هستند و مربوط به انتقام خدایان از انسان‌ها هستند از قبیل انتقام‌های پوزئیدون از اولیس، خدایان از آژاکس، خدایان و اولیس از سیکلوپ و زئوس از یاران اولیس؛ گاهی نیز کین‌خواهی انسان‌ها در انتقام‌جویی اورست از اژیست، انتقام مرد توانگر از نله و کین‌خواهی اولیس از خواستگاران نمود می‌یابد.

۲-۲. علل و انگیزه‌های انتقام‌گیری

۲-۲-۱. انگیزه‌های انتقام در شاهنامه

علل انتقام در شاهنامه را در دو بخش انگیزه‌های شخصی و انگیزه‌های اجتماعی

می‌توان تحلیل کرد:

۱-۲-۲-۱. انگیزه‌های شخصی و روانی

در انتقام‌های شخصی، فرد آسیب‌دیده برای جبران صدمات و ضررهای وارد به خود، درصدد تلافی و مقابله به‌مثل برمی‌آید تا آرامش‌خاطری به دست آورد. این نوع انتقام‌ها که اغلب بر اساس احساسات درونی و روانی و با هدف کسب رضایت صورت می‌گیرد، بر اساس شواهدی از شاهنامه، در تقسیم‌بندی ذیل قابل بررسی هستند:

۱-۲-۲-۱-۱-۱. حسادت

در شاهنامه، گاهی حسد پشتوانه‌ای برای کینه‌کشی می‌گردد و سرانجام‌های نامناسب و خطرناکی مانند قتل، کشتار و اسارت را با خود به ارمغان می‌آورد؛ چنان‌که سلم و تور برای نشان‌دادن نارضایتی خود از تقسیم‌بندی قلمروهای تحت سلطه پدرشان فریدون، بر برادرشان ایرج حسد می‌ورزند و سبب بی‌گناه کشته‌شدن او می‌شوند (فردوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۰۴). حسادت گرزم نسبت به اسفندیار، سبب زندانی‌شدن او در گنبدان دژ می‌شود (همان، ج ۶: ۳۳). رشک زروان به مه‌بود وزیر نیز موجبات قتل او و خاندانش را فراهم می‌آورد (همان، ج ۸: ۱۵۰). علاوه بر این، حسادت سبب پدیدآمدن کین‌جویی‌هایی با سرانجام‌های موفق دیگری شده است که عبارت‌اند از:

الف. انتقام گرسیوز از سیاوش: پس از رفتن سیاوش به توران برای جنگ با افراسیاب و در پی آن انعقاد صلح، سیاوش برای در امان ماندن از مکر نامادری‌اش سودابه، به آنجا پناهنده می‌شود و شهری به نام سیاوشگرد بنا می‌کند. در این هنگام، گرسیوز که از دیدن شکوه دستگاه سیاوش بر او حسد می‌ورزد، با گفتن اینکه وی با ایرانیان هم‌داستان شده و درصدد سرنگونی حکومت افراسیاب است، برادر را به او بدگمان می‌کند (همان، ج ۳: ۱۵۲).

ب. انتقام شغاد از رستم: شغاد پس از آن‌که داماد شاه کابل می‌شود، تصور می‌کند که او نیز مانند برادر ناتنی‌اش رستم، فرزند زال است و رستم به‌خاطر این پیوند نباید از شاه

کابل خراج بستند؛ از این رو، پس از آنکه عاملان رستم برای طلب باج می‌آیند، آزرده‌خاطر می‌شود و حس حسادت و انتقام‌جویی در وجودش شعله‌ور می‌گردد؛ لذا با نیرنگ، سبب افتادن رستم در چاه می‌شود (همان، ج ۶: ۳۳۲).

۲-۱-۲-۲. خودخواهی و شقاوت

در شاهنامه، افراد جاه‌طلب و خودخواه، اشخاص بی‌گناه بسیاری را به دلیل شقاوت و ارضای حس انتقام‌جویی خودشان به ورطه نیستی کشانده و چهره منفوری از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ از آن جمله است:

الف. انتقام افراسیاب از اغریث: در حمله تورانیان به ایران که به قصد خون‌خواهی تور انجام می‌گیرد، نوذر کشته می‌شود و شهریار خودکامه و تندخوی توران قصد دارد دیگر بزرگان ایرانی را که اسیر شده‌اند بکشد؛ اما برادرش اغریث او را از این کار منع می‌کند و با همدستی زال، موجبات آزادی‌شان را فراهم می‌آورد. افراسیاب از موضوع آگاه می‌شود و از سر غرور و شقاوت و بدون آنکه به هم‌خونی خود با اغریث بیندیشد، به جرم نافرمانی، او را با شمشیر به دو نیم می‌کند (همان، ج ۲: ۴۲).

ب. انتقام کیکاووس از رستم و سهراب: زمانی که سهراب به قصد براندازی حکومت کاووس و پیدا کردن پدر روانه ایران می‌شود، شهریار خودکامه ایران از رستم یاری می‌خواهد و چون رستم کمی دیرتر از زمان موعود به دربار می‌رسد، از او خشمگین می‌شود و هنگامی که نزاع بین رستم و سهراب به دریده‌شدن سینه سهراب می‌انجامد و رستم از کاووس طلب نوشدارو می‌کند، کاووس که موقعیت را برای گرفتن انتقام مناسب می‌بیند، با ندادن نوشدارو، سبب مرگ سهراب می‌شود و بدین گونه، انتقام خود را از سهراب و نافرمانی رستم می‌ستاند (همان، ج ۲: ۲۴۲).

۲-۱-۳-۲. ناکامی در عشق

انسان‌ها در زندگی خود، اهداف و انگیزه‌هایی دارند که هرگاه دسترسی به آن‌ها سخت

و محال گردد، ممکن است در اثر به وجود آمدن حالت روحی ناشی از ناکامی، به انتقام روی آورند؛ از این رو، وقتی سیاوش به عشق نامادری اش سودابه جواب رد می‌دهد، خشم و کینه‌ای ویرانگر سراپای سودابه را فرامی‌گیرد. او که خود را شکست‌خورده می‌بیند، پیوسته به دنبال فرصتی است تا ناکامی‌اش را تلافی کند. در این هنگام، گرسیوز این فرصت را در توران‌زمین برای او فراهم می‌کند و این هر دو که از سیاوش، سخت کینه به دل دارند، به فرجام، او را به کشتن می‌دهند (همان، ج ۳: ۱۵۲).

۲-۱-۱-۲-۲. تحقیر شدن

احساسی که به سبب تحقیر شدن در دل آدمی پدیدار می‌شود، عقده‌ای است که تعادل رفتاری شخص را سلب می‌کند و شعله‌های انتقام و کین‌توزی‌های موفقی را در شاهنامه برمی‌افروزد که عبارت‌اند از:

الف. کین‌خواهی گروهی زره و دمور از سیاوش: شکست در میدان کشتی از سیاوش، سبب شعله‌ور شدن حس تحقیر در گروهی زره و دمور شده است؛ از این رو، به دنبال فرصتی هستند که انتقام خود را از او بگیرند؛ لذا هنگامی که افراسیاب قصد کشتن او را دارد، افراسیاب را تحریک می‌کنند تا سر از تن او جدا سازد (همان، ج ۳: ۱۴۸).

ب. کین‌خواهی شاپور از قیصر: پادشاه ایران شاپور به انتقام تحقیرها و خواری‌هایی که قیصر روم بر وی روا داشته، او را به زندان می‌افکند و دستور می‌دهد پس از بریدن گوش، بینی او را سوراخ کنند و مهاری بر آن بنهند و چندان در زندان نگه بدارند تا بمیرد (همان، ج ۷: ۲۴۳).

۲-۱-۱-۲-۲. شکست خوردن

در شاهنامه، گاهی منتقم مترصد فرصتی است که در آن، با هدف مواجهه با مجرم، انتقام زیان یا شکستی را که به او رسیده است، به نحوی شدیدتر تلافی کند. در این زمینه، قصد کین‌خواهی یانس از ایرانیان که به تلافی شکست خوردن و اسارت برادرش قیصر در

ایران شکل گرفته است، به دلیل گریز سپاهیان از میدان جنگ، ناکام می‌ماند (همان، ج ۷: ۲۴۴)؛ لیکن سه کین جوی دیگر، توفیق انتقام‌گیری می‌یابند؛ از جمله:

الف. کین خواهی رهام از بازور: در حمله ایرانیان به توران، طوس برای حفاظت از بازمانده سپاهیان، صفی از پیلان، پیش لشکر می‌آورد و گروهی از سپرداران و نیزه‌وران را به محافظت می‌گمارد. بازور که چنین می‌بیند، به جادوگری متوسل می‌شود و چندین سرما و برف بر لشکر ایران می‌باراند که دست لشکریان از جنگ بازمی‌ماند. در این حال، رهام به تلافی این شکست، با دلی پر از کینه و انتقام به سوی بازور می‌رود و دست او را قطع می‌کند و در لشکرگاه گردنش را می‌زند (همان، ج ۴: ۱۳۹).

ب. کین خواهی گسته‌م و بندوی از هرمز: گسته‌م و بندوی که به سبب شکست خوردن و در بند شدنشان به دستور هرمز، از او کینه به دل داشتند، در صدد انتقام برآمدند و با داغ نهادن بر چشم هرمز، او را کور کردند (همان، ج ۸: ۴۳۰).

ج. کین خواهی رستم از شغاد: از نوادر کین خواهی‌ها که انتقام به دست خود شخص انجام می‌گیرد، انتقام رستم از برادرش شغاد است. زمانی که رستم، با نیرنگ شغاد در چاه سقوط می‌کند، از او می‌خواهد که کمانش را آماده در کنار چاه قرار دهد تا اگر درنده‌ای حمله آورد، بتواند از خود محافظت کند. شغاد کمان را می‌آورد و هراسان از انتقام، خود را به پناه درختی می‌کشانند؛ ولی رستم او را به درخت می‌دوزد (همان، ج ۶: ۳۳۳).

۲-۱-۲-۲. انگیزه‌های اجتماعی

برخلاف انتقام‌های شخصی که اغلب از احساسات درونی و علل روانی منبعث می‌شود، انتقام‌های اجتماعی که بیشتر مبتنی بر عقل و درایت است، در حماسه ملی ایران، راهکاری است برای واکنش اجتماعی در مقابل ظلم و ستم و قیام برای خون خواهی‌های به کاررفته. انگیزه‌های مختلف شکل‌گیری این انتقام‌ها عبارت‌اند از:

۲-۱-۲-۲. قصاص و مجازات

قبل از توسعه و پیشرفت جوامع و وضع قوانین جزای عمومی، نهادی حکومتی که بتواند وظیفه تعقیب مجرم و رسیدگی به مجازات متهمان را به عهده بگیرد وجود نداشت؛ از این رو، انجام این وظیفه بر عهده خود شخص زیان دیده یا خانواده او نهاده شده بود و خودشان مجرم را به مجازات می‌رساندند. بنابراین در شاهنامه فردوسی، انتقام پیش از آنکه انگیزه شخصی داشته باشد، باوری اعتقادی و امری مقدس است؛ چنان‌که توختن کین به فرمان خدا صورت می‌گیرد (نک: سرآمدی، ۱۳۷۸: ۲۸). از این رو، مبنای تعقیب و مجازات خطاکارانی که دیگران را مورد تعدی قرار می‌دادند، انتقام‌هایی بوده که خویشاوندی و پیوسته‌خونی را بر نمی‌تافت و مظلومان اختیار کامل برای کین‌جویی داشته‌اند. بدین سان، از افتخارات خاندان‌های بزرگ و قهرمانان این بوده است که انتقام کشتگان خود را بازستانند و گرنه زیر بار بی‌لیاقتی می‌مانده‌اند. نمودار بارز این مسئله، پندار بهمن است که انگیزه کین‌خواهی‌اش را زنده نگه داشتن سنت گذشتگان دانست و بزرگان ایران را برای کین‌خواهی از خاندان رستم، هم‌داستان کرد (فردوسی، ۱۳۸۷: ج ۶: ۳۴۳).

علاوه بر این، در این نوع کین‌خواهی‌ها، هم‌خونی مهم‌ترین اصل به شمار می‌رود و نزدیک‌ترین شخص از خانواده کشته‌شده باید این مهم را انجام دهد. اگر پدری بی‌گناه کشته شود، این فرزند پسر اوست که باید انتقام او را بگیرد؛ لذا زمانی که وزیر گشتاسب، اسفندیار را به کین‌خواهی لهراسب تحریک می‌کند، اسفندیار با گفتن اینکه بازستاندن کین پدر وظیفه پسر است، گوشزد می‌کند که تا پسر هست این وظیفه از دیگران ساقط است (همان، ج ۶: ۱۴۹).

در انتقام، هم‌شأنی و برابری طبقاتی نیز امری بایسته است. سالار گناهکاران باید به دست سالار کین‌خواهان و نزدیک‌ترین هم‌خون او مجازات شود؛ از این رو، اسفندیار در کین‌خواهی پسرانش، نوش‌آذر و مهرنوش، سوگندهای رستم را مبنی بر اینکه او به چنین جنگی دستور نداده و حاضر است زواره و فرامرز را به اسفندیار بسپارد تا به کین‌خواهی

پسرانش آنان را بکشد، قبول نمی‌کند و خواهان گرفتن انتقام از خود اوست؛ لیکن موفق نمی‌شود (همان، ج ۶: ۲۸۵).

۲-۲-۱-۲-۲. تعصب و غیرت ملی پهلوانی

پهلوانان حماسه ملی ایران، علاوه بر آنکه به نام و نشان و خانواده خود تعصب داشتند، در برابر ایران، پادشاه و هم‌وطنان خود احساس مسئولیت می‌کردند و تعصب ملی و پهلوانی، آنان را وامی‌داشته که در خون‌خواهی مظلومان، تا پای جان بکوشند؛ چنان‌که پس از کشته شدن پسران گشتاسپ به دست سپاهیان ارجاسب و افتادن درفش کاویانی بر خاک، غیرت ملی و پهلوانی، گرمی را بر آن می‌دارد که از اسب پیاده شود و درفش را بردارد و با وجود اینکه یک دست خود را از دست داده، درفش کاویان را به دندان گرفته و با دست دیگر به انتقام پردازد (همان، ج ۶: ۱۰۱). کین‌های رستم از افراسیاب (ج ۲: ۶۵)، افراسیاب از فرامرز (ج ۳: ۱۸۰)، افراسیاب از رستم (ج ۳: ۱۸۶)، گیو از فرود (ج ۴: ۵۶)، بیژن از فرود (ج ۴: ۶۱)، تژاو از ایرانیان (ج ۴: ۷۹)، هومان از طوس (ج ۴: ۱۳۱)، چنگش از رستم (ج ۴: ۲۱۲)، شنگل از رستم (ج ۴: ۲۴۳)، ساوه از رستم (ج ۴: ۲۴۸) و چهارکهنانی از رستم (ج ۸: ۲۴۸) از انتقام‌های ناموفقی هستند که با انگیزه ملی پهلوانی و در راستای خون‌خواهی‌های نودر، فرمانروای شهر اسپبجانب، بزرگان تورانی، ریونیز، زرسب، بلاشان، ارژنگ، کاموس، شنگل و ساوه به وقوع پیوسته‌اند. انتقام‌های رستم از تورانیان به خون‌خواهی سیاوش (ج ۳: ۱۷۶)، بیژن از هومان به خون‌خواهی روزبانان ایرانی (ج ۵: ۱۳۱)، گسته‌م از فرشیدورد و لهاک به خون‌خواهی راهداران ایرانی (ج ۵: ۲۲۱) و ارجاسب از لهراسب به خون‌خواهی کشتگان تورانی (ج ۶: ۱۴۰) از کین‌توزی‌های موفقی هستند که به دست رستم و سایر پهلوان انجام شده‌اند.

۲-۲-۱-۲-۲. عدالت‌خواهی

انسان‌ها به دلیل داشتن منافع مشترک و نیازهای متقابل همگانی برای برقراری آسایش

و رفاه، نیازمند روابط عادلانه هستند؛ از این رو، عدالت طلبانی همچون رستم، بهرام چوبین و پوران دخت برای برقراری امنیت، به جنگ با ظالمانی چون سودابه، همشهری آیین گشسب و خسرو پرداخته و به خون خواهی سیاوش (ج ۳: ۱۷۶)، اردشیر شیروی (ج ۹: ۳۰۶) و آیین گشسب (ج ۸: ۴۲۸)، انتقام های موفقی از خود به یادگار گذاشته اند. علاوه بر این، هنگامی که گرفتن انتقام به دست بیگانگان و حتی دشمنان، بر قاتل شخص جاری می شود، هیچ انگیزه ای جز اجرای عدالت نمی تواند داشته باشد. از آن جمله است:

الف. کین خواهی اسکندر از وزیران دارا: اسکندر زمانی که به ایران حمله می کند، با اینکه شاه ایران دشمن اوست، وزیران وی را که به امید کمک به اسکندر و گرفتن پاداش، ولی نعمت خود را می کشند، به جرم خیانت به دار می آویزد و با انگیزه عدالت خواهی، انتقام دارا را می گیرد (همان، ج ۶: ۴۰۳).

ب. کین خواهی بیژن از ماهوی: زمانی که بیژن ترک از ناجوانمردی ماهوی در قتل یزدگرد آگاهی می یابد، از جیحون می گذرد و با مثله کردن مجرم، انتقام خود را عملی می کند (همان، ج ۹: ۳۷۹).

۲-۲-۲. انگیزه های انتقام در ایلید

در ایلید، هنگامی که از انتقام های متافیزیکی از قبیل انتقام خدایان از انسان ها و انتقام خدایان از یکدیگر سخن به میان می آید، گاهی به صراحت به انگیزه های انتقام جویی اشاره نمی شود؛ چنان که در کین خواهی خدایان از بلوروفون، انگیزه کین خواهی معلوم نمی شود و سرگردانی او در بیابان های آلیوس به علت کینه خدایان مورد اشاره قرار می گیرد (هومر، ۱۳۷۲: ۲۲۲). در نبرد میان مردم تروا و آخائی نیز سخن از کینه جاودانی هرا و پالاس از مردم تروا به میان می آید، بدون آنکه انگیزه مشخصی در میان باشد (همان: ۲۸۲). گاهی نیز انگیزه کین خواهی ها به صورت کم رنگ تر و در لفافه مورد اشاره قرار می گیرد؛ چنان که در کین خواهی فوبوس و پوزئیدون از مردم آخائی، به صورت غیر مستقیم گفته می شود که

مردم آخائی بدون اجازه خدایان، برای دورکردن دشمن از کشتی‌ها، گودال و دیوارهایی ساخته بودند و برای خدایان، قربانی‌های پر بها نکرده بودند تا کشتی‌های خود را پناه دهند؛ لذا فوبوس به همدستی پوزئیدون تصمیم به انتقام گرفتند و بارو را ویران کردند (همان: ۳۹۹). کین‌خواهی آرس از لشکریان آخائی به خون‌خواهی پسرش انجام شده است (همان: ۴۶۳) و در کین‌جویی آپولون از آگامنون، انگیزه انتقام از زبان پیشگوی فرزانه، آزدن کاهن و ربودن دختر او توسط آگامنون عنوان می‌شود (همان: ۴۸). انگیزه انتقام‌های بشری نیز در دو دسته شخصی و اجتماعی قابل بررسی هستند:

۱-۲-۲-۲. انگیزه‌های شخصی

انگیزه‌های شخصی در شکل‌گیری انتقام‌های بشری در *ایلیاد* از دو عامل نشئت می‌گیرد:

۱-۱-۲-۲-۲. ناکامی در عشق

آگامنون دختر زیبایی به نام بریزئیس را که در جنگ تروا به آخیلوس رسیده، از او پس می‌گیرد؛ از این رو، آخیلوس به علت ناکامی در عشق، خشمگین می‌شود و درحالی‌که از جنگ کناره‌گیری می‌کند، به کشتی خود می‌رود. در این هنگام، مادرش تئیس از او دلجویی می‌کند و از زئوس می‌خواهد انتقام اهانتی را که بر آخیلوس رفته است، از مردم آخایی بگیرد (همان: ۷۷).

۲-۱-۲-۲-۲. مقابله به مثل

نستور فرزانه که از ربوده شدن هلن آزرده‌خاطر است، با انگیزه مقابله به مثل، خطاب به لشکریان می‌گوید: «هیچ‌کس قبل از همبستر شدن با زنی از مردم پریم، در بازگشت به خانه خویش شتاب نوزد تا کینه ربوده شدن هلن و آن‌همه مصیبت را که بر ما وارد شده است بستاند» (همان: ۹۴).

۲-۲-۲-۲. انگیزه‌های اجتماعی

انگیزه‌های اجتماعی در شکل‌گیری انتقام‌های بشری در *ایلیاد*، برخاسته از خون‌خواهی‌هایی بوده است که با انگیزه‌های مختلفی به وقوع پیوسته است:

۲-۲-۲-۱. قصاص و مجازات

در *ایلیاد* نیز همانند *شاهنامه* فردوسی، خانواده فرد زیان‌رسیده، به‌شخصه مبادرت به خون‌خواهی کرده و قاتلان را مجازات کرده‌اند. کین‌خواهی‌های کوئون از زاده آتره (همان: ۳۵۵)، آگاماس از پروماکوس (همان: ۴۵۴) و مرد تروایی از منلاس (همان: ۵۲۸) در خون‌خواهی برادر شکل گرفته‌اند. انتقام پیرام از آخیلوس به خون‌خواهی پسرانش (همان: ۶۵۵) تنها کین‌جویی فرزند در *ایلیاد* است. انتقام آخیلوس از دموکوئون به خون‌خواهی دوستش لوکوس (همان: ۱۶۴) و انتقام آخیلوس از هکتور به خون‌خواهی دوستش پاتروکل (همان: ۶۶۷) بوده است.

۲-۲-۲-۲. تعصب و غیرت ملی پهلوانی

انتقام‌های انه از اورسیلوک و کرتون (همان: ۱۹۳)، اورسیلوک و کرتون از اهالی تروا (همان: ۱۹۴)، منلاس از آدراس و مردم تروا (همان: ۲۱۶)، آزیوس از ایدومنه (همان: ۴۱۷)، دئیوب از شاه‌هیسنور (همان: ۴۱۸) و ایدومنه (همان: ۴۲۲) و پولیداس از سپاهیان آخائی (همان: ۴۵۳) انتقام‌هایی بوده است که با انگیزه تعصب و غیرت ملی پهلوانی در زمینه خون‌خواهی‌های ناموردئیکوئون، بازماندگان آتره، اوتریونه، آزیوس، اونومائوس و ساتنیوس به انجام رسیده است.

۲-۲-۳. انگیزه‌های انتقام در اودیسه

از میان انتقام‌های مطرح‌شده در *اودیسه*، ۵ مورد از آن‌ها کین‌خواهی‌های متافیزیکی هستند و مربوط به انتقام خدایان از انسان‌ها؛ که عبارت‌اند از: کین‌خواهی خدای دریاها، پوزئیدون از اولیس به خون‌خواهی کورشدن فرزندش پولیفم (هومر، ۱۳۷۱: ۱۲)، کین‌جویی خدایان از آژاکس به تلافی ادعای رهایی از گرداب‌ها به ناخواست خدایان

(همان: ۹۱)، انتقام‌جویی خدایان و اولیس از سیکلوپ به‌تلافی خوردن یاران اولیس (همان: ۵۲۸)، کین‌جویی زئوس از یاران اولیس به‌تلافی کشتن گاوها (همان: ۲۸۱) و کینه زئوس از نژاد آتره (همان: ۲۵۴) که انگیزه شکل‌گیری آن بیان نشده است. بقیه انتقام‌ها مربوط به انسان‌ها هستند و در دو دسته شخصی و اجتماعی قابل بررسی‌اند.

۲-۲-۱. انگیزه‌های شخصی

انگیزه شخصی در شکل‌گیری انتقام‌های بشری در اودیسه عبارت از مقابله به‌مثل است؛ از جمله: کین‌خواهی آژاکس از اولیس به‌تلافی پیروزی‌دادن به آخیلوس (همان: ۲۵۸)، کین‌جویی مرد توانگر از نله به‌تلافی زندانی‌شدن (همان: ۳۳۹) و انتقام اولیس از خواستگاران همسرش به‌تلافی تبه‌کاری‌های آنان (همان: ۵۴۷).

۲-۲-۲. انگیزه‌های اجتماعی

انگیزه اجتماعی در شکل‌گیری انتقام‌های بشری در اودیسه عبارت از قصاص و مجازات است؛ کین‌خواهی اورست از اژیست به خون‌خواهی پدرش آگاممنون (همان: ۵۱۵) از انتقام‌های موفق است که برای مجازات از آن استفاده شده و قصد کین‌خواهی مردم ایتاک از اولیس که به خون‌خواهی کشته‌شدن پسران و برادرانشان بوده (همان: ۵۵۱)، از انتقام‌های ناموفق در زمینه قصاص و مجازات در اودیسه است.

۳. نتیجه‌گیری

در شاهنامه، اتفاقاتی که در حین حوادث داستان‌های متفاوت رخ داده و منجر به کین‌ستانی گردیده، با صراحت بیان شده‌اند؛ در حالی که در اودیسه و ایلیاد، با وجود آنکه این موضوع در لابلای داستان مطرح شده، نسبت به شاهنامه، کم‌رنگ‌تر و در لفافه است. از لحاظ شدت و فراوانی کین‌خواهی‌ها، شاهنامه بیشترین و اودیسه کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. انتقام‌های متافیزیکی در ایلیاد و اودیسه مشهود است؛ ولی

انتقام‌های بشری در هر سه اثر حماسی دیده می‌شوند که در دو بخش شخصی و اجتماعی قابل بررسی هستند:

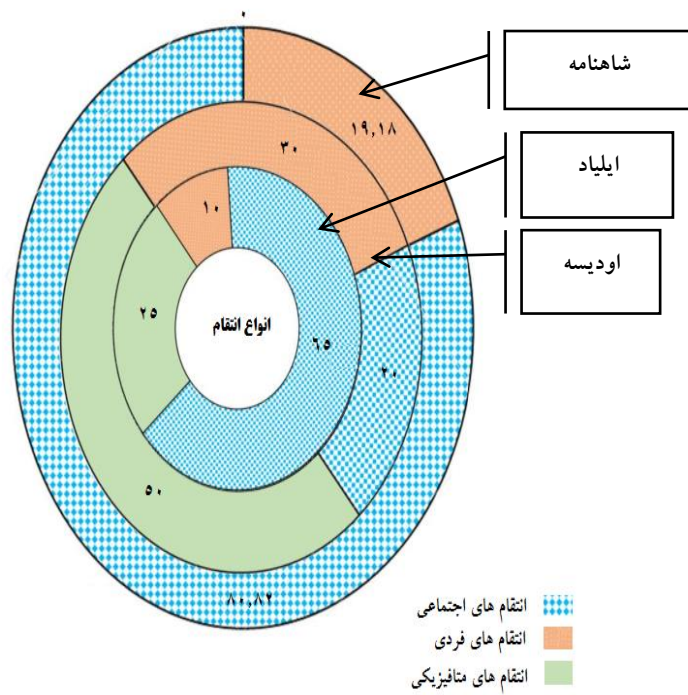
انتقام‌های برخاسته از انگیزه‌های شخصی، که اغلب در شاهنامه از رذایلی اخلاقی همچون حسادت، خودخواهی، ناکامی در عشق، تحقیر شدن و شکست خوردن نشئت گرفته‌اند، جزء انتقام‌های مذموم و ناروایی هستند که از تعصب‌های جاهلانه و نابجا ناشی شده‌اند و در مجموع ۱۹/۱۸ کل انتقام‌ها را تشکیل می‌دهند. در این میان، حسادت با ۶/۸۵ بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده و ناکامی در عشق با ۱/۳۷ کمترین فراوانی را دارد.

انتقام‌های برخاسته از انگیزه‌های اجتماعی که اغلب در محورهایی مانند قصاص و مجازات، تعصب و غیرت ملی‌پهلوانی و عدالت‌خواهی نمود یافته‌اند، جزء انتقام‌های پسندیده و لازمی هستند که در راستای مقابله با ظلم و تعدی به حقوق مظلومان انجام شده‌اند و به دلیل برخورداری از جنبه تأدیبی و تأمینی، از گسترش فساد در جامعه جلوگیری می‌کنند. این دسته از انتقام‌ها در مجموع ۸۰/۸۲ کل انتقام‌ها را تشکیل می‌دهند. قصاص و مجازات با ۴۷/۹۵ بیشترین و عدالت‌خواهی با ۶/۸۵ کمترین بسامد را دارند.

انگیزه‌های شخصی انتقام در ایلید با فراوانی ۱۰ درصد در محورهای ناکامی در عشق و مقابله به مثل نمود می‌یابد؛ ولی انگیزه‌های اجتماعی در محور مجازات و قصاص با ۳۰ درصد و تعصب و غیرت ملی‌پهلوانی با ۳۵ درصد بیشترین بسامد را دارند. بقیه انتقام‌ها متافیزیکی هستند. در اودیسه، انگیزه‌های شخصی ۳۰ درصد کل انتقام‌ها را تشکیل می‌دهند که تنها در محور مقابله به مثل نمود می‌یابد و انگیزه‌های اجتماعی با ۲۰ درصد کل انتقام‌ها در محور قصاص و مجازات انجام شده است. بقیه انتقام‌ها نیز متافیزیکی هستند. لذا باید گفت کین‌جویی با انگیزه اجتماعی در شاهنامه و ایلید و با انگیزه شخصی در اودیسه، بیشترین بسامد را دارند.

جدول (۱)

انواع انتقام			
انتقام‌های متافیزیکی	انتقام‌های فردی	انتقام‌های اجتماعی	
۰	۱۹/۱۸	۸۰/۸۲	شاهنامه
۲۵	۱۰	۶۵	ایلیاد
۵۰	۳۰	۲۰	اودیسه



نمودار (۱)

جدول (۲)

انواع انتقام	انگیزه‌های انتقام	شاهنامه	ایلیاد	اودیسه
فردی	حسادت	۶/۸۵	۰	۰
	خودخواهی و شقاوت	۲/۷۵	۰	۰
	ناکامی در عشق	۱/۳۷	۵	۰
	تحقیر شدن	۲/۷۵	۰	۰
	شکست خوردن	۵/۴۷	۰	۰
مقابله به مثل	۰	۵	۳۰	
اجتماعی	قصاص و مجازات	۴۷/۹۵	۳۰	۲۰
	تعصب و غیرت ملی پهلوانی	۲۶	۳۵	۰
	عدالت خواهی	۶/۸۵	۰	۰
متافیزیکی		۰	۲۵	۵۰



نمودار (۲)

منابع

۱. ایرانی، دین‌شاه (۱۳۴۳)، اخلاق در ایران باستان، چ ۳، بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۸)، ایران و یونان در بستر باستان، چ ۲، تهران: انتشار.
۳. _____ (۱۳۹۵)، جام‌جهان‌بین، تهران: قطره.
۴. امن‌خانی، عیسی، و نظام‌اسلامی، زهرا (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مفهوم عدالت در شاهنامه (ایران باستان) و آثار افلاطون»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال نهم، شماره ۳۰، ۲۳-۴۵.
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
۶. جعفری قریه، حمید، فرهمند، رویین‌تن، و روستا، مریم (۱۳۹۲)، «مقایسه تطبیقی مهر و کین در شاهنامه و ایلیاد»، مجله مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوازدهم، شماره ۲۳، ۲۱-۴۵.
۷. جمالی، کامران (۱۳۶۸)، فردوسی و هومر، تهران: اسپرک.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (۱۳۴۷)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
۱۰. ریاحی، محمدامین (۱۳۷۵)، فردوسی، زندگی و شعر او، چ ۱، تهران: قطره.
۱۱. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، نامورنامه، تهران: سخن.
۱۲. سبحانی، جعفر (بی‌تا)، مفاهیم القرآن، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۳. سرآمی، قدمعلی (۱۳۷۸)، از رنگ گل تا رنج خار، چ ۳، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۴. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، *حماسه‌سرایی در ایران*، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۸۷)، *مجمع البحرين*، تصحیح محمود عادل، قم: دفتر فرهنگ اسلامی.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. عبادیان، محمود (۱۳۶۹)، *فردوسی و سنت آوری در حماسه‌سرایی*، چ ۱، تهران: گهر.
۱۸. عباسی، حجت، و قبادی، حسینعلی (۱۳۸۹)، «مقایسه جایگاه زن در شاهنامه فردوسی با ایلید و اودیسه هومر»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، سال ششم، شماره ۱۹، ۸۵-۶۶.
۱۹. غلامپوردهکی، سکینه، و پشت‌دار، علی محمد (۱۳۹۴)، «کارکردهای پیشگویی در حماسه‌های بزرگ جهان (شاهنامه، ایلید و اودیسه)»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۲۵۱-۲۸۱.
۲۰. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، *شاهنامه*، به کوشش دکتر سعیدحمیدیان، چ ۹، تهران: قطره.
۲۱. قبادی، حسینعلی، بزرگ‌بیگدلی، سعید، و عباسی، حجت (۱۳۸۹)، «بررسی و مقایسه سبک حماسه‌سرایی ایلید و شاهنامه از منظر تعهد ادبی»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، سال ششم، شماره ۱۸، ۸۶-۱۱۰.
۲۲. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۶)، *نامه باستان*، چ ۶، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. گات‌ها (۱۳۷۷)، ترجمه ابراهیم پورداود، تهران: اساطیر.
۲۴. مزدپور، کنایون (۱۳۸۷)، «نوروز و شاهنامه»، *فرهنگ مردم*، سال هفتم، شماره ۲۴-۲۵، ۶۶-۵۱.

۲۵. مسکوب، شاهرخ (۱۳۵۰)، *سوغ سیاوش*، چ ۱، تهران: خوارزمی.
۲۶. هومر (۱۳۷۲)، *ایلیاد*، ترجمه سعید نفیسی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۷. — (۱۳۷۱)، *اودیسه*، ترجمه سعید نفیسی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۸. *یشت‌ها* (۱۳۵۶)، گزارش ابراهیم پورداود، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.

